

ویژه‌نامه اولین همایش بهداشت در آموزه‌های پیامبر اعظم (ص)

مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

دوره ششم، زمستان ۱۳۸۶، ۳۰-۲۳

## نقش امر به معروف و نهی از منکر در سلامت محیط

دکتر حسین ابویی مهریزی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۸۶/۴/۳ ارسال مقاله به نویسنده جهت اصلاح: ۸۶/۶/۳۱ دریافت اصلاحیه از نویسنده: ۸۶/۷/۱۹ پذیرش مقاله: ۸۶/۹/۲۶

### چکیده

**زمینه و هدف:** بشر امروز، با وجود پیشرفت‌های سریع و حیرت‌آور در زمینه پیشگیری، درمان و کنترل بیماری‌ها و آثار مثبت آن برای جامعه، به دلیل عدم اتکاء به تعلیمات پیامبران در زمینه اخلاق، معنویت و روابط سالم انسانی، از بحرانی که سلامت جسم و روح و روان او را به خطر افکنده، رنج می‌برد. راه نجات از این بحران، بازگشت به تعلیمات پیامبران و ادیان آسمانی و در رأس آن، اسلام است. مقاله حاضر به تبیین نقش یکی از این تعلیمات، با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» در تأمین بهداشت و سلامت روحی و جسمی افراد جامعه می‌پردازد.

**مواد و روش‌ها:** روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی و بر اساس منابع تاریخی و فقهی با محوریت قرآن و سنت نبوی است. این تحقیق، با ارائه مقطعی از تاریخ اسلام که به شکل جامع‌تری به این فریضه، در بعد فردی و حکومتی آن عمل شده، به بررسی تاریخی مسأله و آثار آن می‌پردازد.

**یافته‌ها:** یکی از عوامل بسیار مهم در تأمین سلامت روحی و جسمی افراد جامعه، توجه جدی به اصل زیر بنایی امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد مختلف فردی و حکومتی آن است. شاهد صدق این ادعا، وجود نهاد نظارتی «حسبه» (بخش حکومتی این فریضه) و آثار عظیم آن در تثبیت تمدن اسلامی، به خصوص در زمینه بهداشت و سلامت اجتماعی است.

**نتیجه‌گیری:** برای در امان ماندن از بحران بیماری‌های جسمی و روحی حاصل از تمدن مادی عصر حاضر، که سلامت همه جانبه بشر را تهدید می‌کند، چاره‌ای جز بازگشت به تعلیمات پیامبران و ادیان آسمانی در زمینه اخلاق و معنویت، روابط سالم انسانی نیست. یکی از مهم‌ترین تعلیمات در این زمینه، انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که قرآن و سیره نبوی با ساز و کار ویژه‌ای آن را مطرح کرده و زیر بنای سایر تکالیف و ضامن سلامت همه جانبه جامعه انسانی، دانسته است.

**واژه‌های کلیدی:** معروف، منکر، حسبه، مراقبت جمعی، بهداشت محیط

۱- نویسنده مسئول) استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه یزد

## مقدمه

دنیای کنونی با سرعت سرسام‌آوری، مرزهای دانش را یکی پس از دیگری در می‌نوردد تا از نتایج آن در جهت رفاه و آسایش جسم و روح و زندگی سالم بهره مند گردد. در این میان، یک جنبه بودن دست آوردهای علمی و دوری از تعلیمات پیامبران در زمینه اخلاق و معنویت، موجب شده تا با وجود همه این پیشرفت‌های سریع، آسایش و سلامت بشریت در زندگی ماشینی، دستخوش تهدید جدی قرار گیرد و بیماری‌های جسمی و روحی ویرانگر و پرتلافاتی هم‌چون ایدز و افسردگی را به ارمغان بیاورد. تنها راه نجات از بحران‌هایی که سلامت جوامع را به خطر افکنده است، بازگشت به تعلیمات پیامبران و ادیان، به خصوص دین اسلام است [۱].

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین حلقه از حلقه‌های تکامل ادیان، توجه خاصی به بهداشت و سلامت فردی و اجتماعی مسلمانان از جهت جسمی و مخصوصاً از بعد روحی و اخلاقی مبذول داشته و در جهت ریشه کن کردن عوامل مضر به این سلامت، دستورالعمل‌هایی ارائه نموده است. از یک طرف برای سلامت معنوی و آرامش روحی و روانی فرد، از بعد پیشگیری علاوه بر ایمان به مبدأ و معاد، او را به توکل و ذکر، سفارش می‌کند و از بعد درمان لغزش‌های احتمالی، و برای پاک‌سازی روح، سفارش به توبه می‌کند. از طرف دیگر برای سالم‌سازی محیط اجتماعی از جهت پیشگیری، نظارت عمومی بر عملکرد مسلمانان در جامعه یا اصل "امر به معروف" را تأکید کرده و از جهت درمان و برای پاک‌سازی جامعه از فساد و گناه، "نهی از منکر" را توصیه کرده است و در مجموع، قرآن و سیره نبوی، اصل نظارت و مراقبت جمعی یا «امر به معروف و نهی از منکر» را با ساز و کار خاصی، به عنوان فریضه‌ای بزرگ و زیر بنایی، که قوام و برپایی سایر واجبات به واسطه این اصل تحقق می‌یابد، معرفی کرده است. "معروف" در لغت، اسم مفعول از ریشه عرف است و عرف، به معنی کار خوب و پسندیده که در میان مردم رایج و متداول شده است. صاحب لسان‌العرب می‌گوید: "عرف ضد نُکر، به معنای هر کاری است

که نفس آن را خوب بداند و به آن آرامش یابد" [۲]. و در آیه شریفه "خذالعفو و امر بالعرف" [۳]، عرف به معنای معروف و کار نیک، به کار رفته است. در تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه شریفه آمده است که عرف، ضد نُکر، به معنی معروف و هر خصلت پسندیده‌ای است که عقول مردم آن را درست می‌داند و نفوس مردم به آن آرامش می‌یابد [۴].

تکیه قرآن و روایات بر دو واژه "معروف" و "منکر" (شناخته شده و نا شناخته)، اشاره به این است که واجبات و محرمات، اموری هستند که عقل و روح و فطرت پاک انسان به خوبی آن‌ها را می‌شناسد و به واجبات، عشق می‌ورزد، در حالی که منکرات، برای عقل و روح و فطرت پاک انسان، ناشناخته و مورد تنفر است [۵]. با دقت در آیات امر به معروف و نهی از منکر، پی می‌بریم که خطاب بسیاری از آیات، به عموم مسلمانان است مانند آیه شریفه "والمؤمنون والمؤمنات بعضهم... [۶]. و آیه مبارکه "وکنتم خیرامه... [۷]. و بعضی آیات، خطاب به گروهی خاص است مانند آیه شریفه "ولتکن منکم امه... [۸]. راه جمع بین این دو دسته از آیات، این است که بگوییم: آیات دسته اول، ناظر به مرحله فردی امر به معروف و نهی از منکر است که بر هر فرد مکلفی، واجب بوده ولی شعاع آن محدود است و از تذکر و اندرز دادن و اعتراض و انتقاد، تجاوز نمی‌کند و مربوط به مرحله قلبی و زبانی می‌شود ولی آیات دسته دوم، ناظر به مرحله جمعی و حکومتی امر به معروف و نهی از منکر است. در صدر اسلام، این مرحله از امر به معروف و نهی از منکر، در چارچوب تشکیلاتی به نام "حسبه" و افراد کار آموزده‌ای به نام "محتسب" انجام می‌شده است [۹].

مقاله حاضر با تأکید بر آیات قرآنی و آموزه‌های نبوی، به نبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، در بهداشت و سلامت همه جانبه فرد و جامعه می‌پردازد. به خصوص بر بخش حکومتی این فریضه، با عنوان «حسبه» تأکید می‌کند که در قرون اولیه اسلامی، نقش مؤثری در بهداشت محیط جامعه و سلامت اشخاص ایفا می‌کرده است. بخشی از

شرع را داشته، هم اطلاق شده است. آغاز پیدایش دائره حسبه و احتساب، دقیقاً معلوم نیست. در قرآن و اخبار نبوی، این کلمه به معنای امر به معروف و نهی از منکر، استعمال نشده ولی در زمان عباسیان و از قرن چهارم، به طور مسلم وجود داشته است. مهم‌ترین عامل اجتماعی در پیدایش نهاد حسبه، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. اجرای این اصل، یکی از شئون اداره جامعه توسط حکومت بوده و بسیاری از فقهاء، اصولاً حسبه را چیزی جز امر به معروف و نهی از منکر نمی‌دانسته‌اند. چنان‌که شهید اول در کتاب «دروس»، از بحث امر به معروف و نهی از منکر به عنوان «کتاب الحسبه» تعبیر نموده است. و مرحوم فیض کاشانی در کتاب «مفاتیح الشرایع»، مباحث امر به معروف و نهی از منکر، لُقظه (مالی که پیدا می‌شود و مالک آن معلوم نیست) هم‌چنین حدود، قصاص، دیات و احکام تجهیز میت، را با عنوان «مفاتیح الحسبه و الحدود» آورده است [۱۰]. پیامبر اکرم در زمان حیات خویش، افرادی را در بازار شهر مدینه به نظارت بر عملکرد بازاریان می‌گماردند و پیش از رواج واژه محتسب به معنی عامل حسبه، این افراد ناظر را، «صاحب السوق» (ناظر بازار) می‌نامیدند [۱۱].

کسی که عهده‌دار مسئولیت اداره احتساب و حسبه در اسلام بوده، «محتسب» نامیده می‌شده است. این اخوه در کتاب «معالم القربه فی احکام الحسبه»، علاوه بر اسلام، حریت، بلوغ، عقل، عدالت، مدیر و مدبر بودن، قاطعیت و جدیت و آگاهی به احکام شرع، سایر شرائط و ویژگی‌های لازم در محتسب را این چنین برشمرده است: ۱- به آنچه که می‌داند، عمل کند و قولش مخالف با فعلش نباشد. ۲- اخلاص داشته باشد و با قول و فعل خود، رضایت خدا را طلب کند. ۳- سنت‌های رسول الله مانند کوتاه کردن شارب، نظافت موه‌های بدن، کوتاه کردن ناخن‌ها، نظافت لباس، عطر زدن را رعایت کند. علاوه بر این که بر واجبات و مستحبات وظیفه خود، قیام می‌کند. ۴- عقیف بر اموال مردم بوده و از قبول هدیه بپرهیزد. ۵- از علائق به دنیا بکاهد. ۶- اهل مدارا و نرم زبانی

ماموریت نهاد حسبه (امر به معروف و نهی از منکر) در صدر اسلام، نظارت بر بازارها و حرف، بهداشت مواد غذایی، پوشاندن روی گوشت‌ها و مواد لبنی در بازار و اماکن عمومی بوده که همان مأموریت دائره کنترل و بهداشت مواد غذایی در اداره بهداشت محیط فعلی است.

## مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر، از نوع بنیادی و با روش توصیفی و تاریخی بر اساس منابع کتابخانه‌ای است. این تحقیق، با محوریت قرآن و سنت و فقه و حقوق امامیه است و سعی شده با دید همه جانبه، آثار عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و عواقب ترک آن از بعد فردی و حکومتی، در زمینه بهداشت و سلامت جسمی و روحی و روانی فرد و جامعه، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به علاوه از بعد تاریخی به عنوان شاهدی بر صدق ادعا، دوره‌ای از قرون اولیه اسلامی مورد بررسی قرار گرفته که حکومت اسلامی در چهارچوب «اداره حسبه» در ابعاد وسیع به اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اهتمام ورزیده و نتایج آن را در زمینه بهداشت و سلامت محیط به طور مشهود و ملموس دریافت داشته است.

## بحث

در این قسمت وبه منظور رسیدن هرچه بهتر به هدف مطالعه، سعی می‌شود ابتدا به اصل نهاد حسبه، هم‌چنین شرایط، اختیارات و وظایف محتسب، اشاره و سپس ابعاد وسیع وظیفه دائره حسبه و نقش آن در تأمین سلامت جامعه و سلامت حرفه‌ای تیم بهداشتی درمانی، مورد نقد و بررسی قرار گیرد:

حسبه در لغت به معنی اجر، و از مصدر احتساب به معنی تسلیم و صبر در برابر مشکلات و کوشش در انجام اعمال خیر، برای تحصیل ثواب و طلب اجر الهی است و چون این بخش از امر به معروف و نهی از منکر، تلاش و کوششی در راه اطاعت خداوند و مبارزه با منکرات، برای جلب رضایت الهی بوده آن را حسبه نامیده‌اند [۹]. حسبه به نهاد یا دستگاهی که وظیفه نظارت بر رفتارهای اجتماعی و فردی و تطبیق آن‌ها با اصول

باشد [۱۲]. ماوردی در کتاب « احکام السلطانیه » می‌گوید: کار احتساب را دو دسته انجام می‌دهاند: ۱- کسی که از طرف سلطان به این وظیفه منصوب می‌شد که او را محتسب متولی می‌نامیدند ۲- داوطلبان و کسانی که بطور آزاد به این وظیفه، می‌پرداختند. رسیدگی به امور برای محتسب متولی، واجب عینی، ولی برای محتسب داوطلب، واجب کفایی بود. محتسب متولی، حق سرپیچی نداشت و مجبور بود، داد خواهی را بپذیرد و می‌توانست نائب، معین کند و حق اجرای تعزیر و حق دریافت حقوق از بیت‌المال را داشت ولی محتسب داوطلب، این اختیارات و حقوق را نداشت [۱۳].

ابن اخوه، وظایف کلی محتسب را در چند حوزه بر می‌شمارد: ۱- امر به معروف و نهی از منکر ۲- منع از اعمال منافی عفت و اخلاق اجتماعی و محرمانی چون شراب خواری ۳- رسیدگی و نظارت بر امر بازار، از نظر اوزان و مقادیر، ترازوها و پیمانها، منع از کم فروشی و گران فروشی و معاملات ناروای ربوی و امثال آن ۴- نظارت بر راه‌ها و ساختمان‌ها ۵- رسیدگی به کار اهل ذمه ( کفار اهل کتاب) ۶- رسیدگی به کار مردگان ۷- نظارت بر کار صنوف مختلف مخصوصاً مواد غذایی، پروتئینی، لبنی، مواد بهداشتی و صنوفی هم‌چون نانوايان، کباب پزان، گوشت فروشان، خورشت پزان، کله پاچه و روده و پوست فروشان، کشتار کنندگان و شرایط کشتار، آشپزان، ظرف شویان، حلیم‌پزان، ماهی فروشان، شیر فروشان، زولبیا فروشان، شیرینی پزان و شیرینی فروشان، مشروب فروشان (غیر الکلی)، گرمابه داران، سدر و صابون فروشان، حجامت کنندگان و فصد کنندگان (رگ زنان و خون گیران)، پزشکان و جراحان، آموزگاران کودکان (منع از تنبیه غیر مجاز کودکان)، حنا فروشان، دباغان، شانه‌گران و آرایشگران. ابن اخوه وظیفه محتسب در قبال هر یک از این صنوف را به تفصیل ذکر کرده [۱۴]. ولی در این جا به دلیل اهمیت و ارتباط با بحث بهداشت محیط، به اختصار به دو مورد اشاره می‌شود

**وظیفه محتسب در قبال سلامت شغلی نانوايان:** ابن اخوه می‌نویسد: لازم بود که محتسب، آنان را امر کند تا سقف مکان پخت نان در تنوره‌های سفالین خود را بالا ببرند و در سقف، دریچه‌هایی بزرگ برای دود بگذارند، ظرف آب کنار دست خمیرکننده را بشویند و آب آن تمیز و پاک باشد، مرتب تنور خود را تمیز کنند، ظرف‌های خمیر را نظافت کنند، خمیر کننده نباید با پاها و زانوها و آرنج‌های خود خمیر کند، زیرا این کارها اهانت به طعام (گندم و جو) محسوب می‌شد و شاید مقداری از عرق بدن یا زیر بغل شخص در خمیر بریزد، موقع خمیر کردن، رو پوش مخصوص بدون آستین یا آستین کوتاه داشته باشد و نیز دهان و بینی خود را با ماسک مخصوص بپوشاند، چه بسا به خاطر عطسه یا تکلم، مقداری از آب دهان یا بینی او وارد خمیر بشود، بر پیشانی خود دستاری سفید ببندد تا عرق نکند و قطره‌ای از آن درخمیر نچکد. موی ساعد خود را بتراشد تا مبادا موقع خمیر کردن در خمیر بیافتد. و هر گاه در روز خمیر می‌کند باید انسانی کنار او باشد تا با بادبزنی یا وسیله دفع حشرات، مگس‌ها را از او دور کند. محتسب، نانوا را موظف می‌کرده تا نان کاملاً نپخته از تنور خارج نکند البته به طوری که نسوزد و در پایان روز، محتسب از نانواها و خمیرکن‌ها، دل جویی و احوال‌پرسی و تشکر می‌کرده است [۱۵].

**نقش حسبه در سلامت حرفه‌ای پزشکان و چشم پزشکان و جراحان و رگ زنان و خون گیران:** ابن اخوه می‌نویسد: طب، علمی است نظری و عملی که شریعت اسلام، آموختن آن را مباح کرده زیرا این کار، موجب حفظ سلامت و دفع بیماری‌ها از ساختمان بدن شریف انسان، می‌شود و در احادیث آمده که پیامبر فرمودند: خداوند هیچ دردی را نازل نکرده جز این که، دواي آن را نیز نازل کرده است. آموختن علم طب از واجبات کفایی است و پیامبر(ص) فرموده اند: هر کس طبابت کند و قبل از آن طب، نیاموخته باشد، ضامن خسارات وارده بر بیمار است. محتسب نظارت می‌کرده که غیر متخصص این کار را بر عهده نگیرد و از اطباء، پیمان شبیه عهد و پیمان بقراط

مبارزه با دست و زبان را ترک کرده‌اند این گروه دو خصلت برتر، از سه خصلت نیکو را از دست داده‌اند و تنها یکی را گرفته‌اند و گروهی دیگر نه به زبان و نه با دست و نه با قلب، نهی از منکر می‌کنند این‌ها در حقیقت مردگان در میان زندگان هستند". سپس فرمودند: "تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، جز قطره‌ای در مقابل دریای پهناور، به شمار نمی‌رود و از همه این‌ها مهم‌تر و برتر، سخن عدل و حرف حقی است که در برابر پیشوای ظالم و ستمگر گفته می‌شود" [۱۷]. روشن است که حدیث فوق، کسی را که به هیچ مرتبه‌ای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند، به مرده در میان زنده‌ها تشبیه کرده و این دو فریضه را حتی از جهاد برتر، دانسته زیرا اثر آن در اصلاح جامعه از جهاد، بیشتر است و در پایان، یکی از شاخه‌های امر به معروف و نهی از منکر (نسبت به پیشوای جائز و ستمگر) را به خاطر آثار و نتایج مهم آن در اصلاح جامعه، از سایر شاخه‌های امر به معروف و نهی از منکر برتر دانسته است.

۳- از امام باقر(ع) نقل شده که فرمودند: "امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه نیکوکاران بوده و فریضه بزرگی است که به وسیله آن، سایر واجبات بر پا داشته شده، راه‌ها امن می‌شود، کسب‌ها و درآمدها حلال می‌گردد، ستم‌ها جبران می‌شود (اموال به ظلم گرفته شده به صاحبان آن برگردانده می‌شود)، زمین آباد می‌گردد، از دشمنان انتقام گرفته شده و کارها رو براه می‌شود" [۱۸]. در این حدیث شریف، دامنه وسیع امر به معروف و نهی از منکر، منعکس شده است که بر خلاف تصور بعضی افراد، منحصر به یک سلسله مسائل عبادی نیست و اگر این فریضه، به تمام معنا اجرا شود جامعه، در تمام ابعاد، اصلاح و آباد می‌گردد. روایات بسیار زیادی در مورد عواقب شوم ترک این فریضه، وارد شده که در مجموع از آن‌ها نتیجه می‌گیریم که ترک این دو فریضه، مانع استجاب دعا و موجب نزول عذاب، تسلط اشرار بر امت اسلامی، طمع و استعمار و استثمار دشمنان نسبت به مسلمین و ده‌ها مصیبت دیگر می‌شود [۱۹].

می‌گرفته و آنان را سوگند می‌داده که داروی زبان بار و داروی سمی به هیچ کس ندهند. دارویی که موجب قطع نسل شود به مردان ندهند و هنگام معاینه بیماران، چشم‌های خود را از حرام ببندند، اسرار بیماران را فاش نکرده و پرده دری نکنند.

**امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ریشه نهاد حسبه:**  
مهم‌ترین عامل اجتماعی در پیدایش حسبه، نقش امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده جامعه اسلامی بوده است. وظیفه‌ای که دین اسلام برعهده تک افراد جامعه اسلامی برای اجرای وظیفه و فریضه امر به معروف و نهی از منکر، نهاده، نزد حاکم اسلامی این واجب را پدید آورده است که برای اجرای این فریضه، دست به تشکیل نهاد حسبه بزند. اگر چه اصطلاح حسبه، در زمان پیامبر(ص) و علی (ع) وجود نداشته، ولی روایات این نکته را ثابت می‌کند که این دو بزرگوار، تصدی امر حسبه را داشته‌اند [۱۵]. نگاهی گذرا به آیات و روایاتی که در اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر وارد شده، این ادعا را به اثبات می‌رساند که این فریضه، عامل اصلی در تاسیس نهاد حسبه بوده است.

قرآن کریم بارها به طور مستقیم و غیر مستقیم چه در آیات و سوره‌های که متضمن بیان اصول و کلیات دین است و چه در آیات و سوره‌های مدنی که بیانگر احکام فرعی و حکومتی اسلام است، مسئله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح نموده است که نشان دهنده اهمیت این دو فریضه در قرآن می‌باشد. همچنین روایات متعددی در این زمینه از ائمه معصومین، بیان گردیده که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱- امام صادق(ع) از پدران خود تا پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمودند: "خداوند دشمن می‌دارد مؤمن ضعیفی را که عقل ندارد و او کسی است که نهی از منکر نمی‌کند" [۱۶].

۲- علی (ع) می‌فرماید: "گروهی از مردم بادست و زبان و قلب، نهی از منکر می‌کنند. آنان جامع تمام خصلت‌های نیک هستند، گروهی دیگر، تنها با زبان و قلب، نهی از منکر می‌کنند این‌ها به دو خصلت نیک، تمسک کرده‌اند و یکی را از دست داده‌اند، گروهی دیگر تنها با قلبشان مبارزه می‌کنند، اما

**شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر:** علاوه بر شرایط عمومی بلوغ، عقل و قدرت که هر تکلیفی منوط به آن‌ها است، شرایط وجوب این فریضه عبارتند از:

۱- علم به معروف و منکر از دیدگاه شرع مقدس اسلام، تا در امر و نهی، شخص دچار اشتباه نشود و امر به منکر و نهی از معروف صورت نگیرد. امام خمینی (ره) در "تحریرالوسیله" می‌فرماید: مطابق این شرط، امر به معروف و نهی از منکر، بر شخص جاهل، واجب نیست [۲۰].

۲- شخص احتمال بدهد که امر و نهی او، تأثیر دارد و جلو منکر را می‌گیرد، پس اگر شخص بداند یا اطمینان به عدم تأثیر داشته باشد، واجب نیست اما به صرف ظن به عدم تأثیر، اگر چه ظن قوی باشد این فریضه، ساقط نمی‌شود.

۳- استمرار بر گناه، به این معنی که شخص گناه‌کار و مرتکب منکر، اصرار بر ادامه گناه داشته و آثار پشیمانی و ندامت در او ظاهر نشده باشد. پس اگر بدانیم که شخص پشیمان شده و این عمل را تکرار نمی‌کند وجوب نهی از منکر ساقط می‌شود و منظور از استمرار، ارتکاب گناه برای بار دوم است. دلیل این شرط، حکم عقل است چرا که در صورت عدم تکرار منکر، امر و نهی لغو و بیهوده است.

۴- امر به معروف و نهی از منکر، مفسده (ضرر جانی، مالی، ناموسی و آبرویی) به دنبال نداشته باشد بنابراین هرگاه شخص بداند یا گمان قوی برد که انکارش موجب ضرر جانی یا ناموسی (آبرویی) یا مالی قابل توجه بر خودش یا یکی از وابستگانش مانند نزدیکان، یاران و همراهانش می‌شود، وجوبش ساقط می‌گردد [۲۰].

مشهور بین فقها، این است که شرط چهارم وجوب این فریضه، عدم مفسده است بدون این که توضیح دهند در این که معروف ترک شده، یا منکر و فساد رایج، چگونه باشد و بین مصداق‌های ضرر (از نظر کم یا زیاد بودن یا در جهت مالی و بدنی و جانی) و بین امر و نهی کنندگان واقعی با افرادی که منکر را انجام داده و معروف را ترک می‌کنند، فرقی بگذارند ولی التزام به این مطلب، به طور مطلق صحیح نیست.

نظریه انقلابی امام خمینی (ره) در مورد شرط عدم مفسده: امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌فرماید: "هرگاه معروف و منکر از اموری باشند که شارع مقدس به آن اهمیت می‌دهد، در این گونه موارد باید با مقایسه "اهم و مهم" مهم‌تر را در نظر گرفت و مطلق ضرر، گرچه ضرر جانی باشد و یا مطلق حرج و مشقت، موجب رفع تکلیف امر به معروف و نهی از منکر نخواهد شد بنابراین، اگر برپا داشتن حجت‌های اسلام، به گونه‌ای که باعث دفع و رفع گمراهی‌ها شود، بستگی به فدا کردن جان یا جان‌ها داشت، ظاهر این است که این فدا کردن، واجب است و در این صورت تحمل ضررهای غیرجانی و یا مشقت‌ها به طریق اولی، واجب می‌باشد. راز شهادت امام حسین (ع) و اصحاب و اسارت اهل بیتش و فداکاری قهرمانان سلحشوری که در طول تاریخ اسلام جان خود را در راه استواری اساس دین و قرآن، فدا کردند، چیزی غیر از ملاحظه اهمیت نیست.

هم‌چنین حضرت امام خمینی (ره) در "تحریرالوسیله" در پنج مسئله که به دنبال هم آمده است، بر این نکته تأکید کرده‌اند که: هرگاه بدعتی در اسلام واقع شود و سکوت علمای دین، موجب هتک اسلام و ضعف عقائد مسلمین شده، یا مسبب تبدیل منکر به معروف و یا معروف به منکر گردد، و یا موجب تقویت ظالم و تأیید او شده، یا موجب جرأت ستمگران بر ارتکاب محرمات و بدعت گذاشتن در دین شود، و یا سکوت علماء موجب سوء ظن به علماء و هتک حرمت آن‌ها و منتسب کردن آنان به کمک به ستمکاران گردد، در تمام این موارد، نهی از منکر، واجب و سکوت جایز نیست و نباید ملاحظه ضرر و حرج شود [۲۱].

مبنای قیام امام خمینی، علیه رژیم طاغوت پهلوی، از سخنرانی سال ۱۳۴۱ در مدرسه فیضیه قم تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همین دیدگاه انقلابی امام در مسأله امر به معروف و نهی از منکر است. چرا که انقلاب و اصلاح، نیاز به فداکاری و اهداء خون داشته و با توجیه مفسده و ضرر، هیچگاه انقلابی تحقق نخواهد یافت.

## نتیجه‌گیری

اسلام و آثار عظیم آن در بهداشت محیط، شاهی بر صدق این ادعا است. بخشی از مأموریت نهاد حسبه (امر به معروف و نهی از منکر) در صدر اسلام، نظارت بر بازارها و حرف، بهداشت مواد غذایی، پوشاندن روی گوشت‌ها و مواد لبنی در بازار و اماکن عمومی بوده که امروزه مأموریت دایره کنترل و بهداشت مواد غذایی در اداره بهداشت محیط و شهرداری‌ها و دایره نظارت بر قیمت‌ها در وزارت بازرگانی است. بخش دیگر آن مربوط به محافظت از ارزش‌ها و فضائل اخلاقی و نظم در جامعه و جلوگیری از ارتکاب محرمات و نامنی و مفاسد اخلاقی بوده که این مهم را امروزه نیروی انتظامی بر عهده دارد. این فریضه مقدس، عامل اصلی پیدایش نهاد حسبه، محسوب می‌شود. در بعد فردی، عمل به این فریضه به معنی دوستی، عاطفه و علاقه‌مندی به سرنوشت دیگران و نفی بی تفاوتی و در نهایت، آرامش روحی و روانی ناشی از این همدلی است، چیزی که بشر امروز، بیش از هر چیز به آن نیاز دارد.

تمدن ماشینی بشر عصر حاضر، با وجود پیشرفت‌های حیرت‌آور در زمینه بهداشت و درمان بیماری‌ها، به دلیل عدم اتکا به معنویت و اخلاق و دیگر تعلیمات پیامبران، در بحرانی از بیماری‌های جسمی و روحی به سر می‌برد. از یک طرف، بیماری‌های حاصل از فحشاء و بی‌عفتی، مواد مخدر و مشروبات الکلی و از طرف دیگر، افسردگی و فشارهای روحی و روانی ناشی از خودخواهی، فقدان عاطفه و بی تفاوتی نسبت به دیگران، ارمغان این وضعیت است. تنها راه نجات از این بحران، بازگشت به تعلیمات پیامبران به خصوص در زمینه روابط انسانی است. نمونه بارز این تعلیمات در اسلام، اصل «امر به معروف و نهی از منکر» یا مراقبت جمعی با پهنای وسیع آن است که ضامن بهداشت و سلامت جسمی و روحی افراد جامعه در ابعاد مختلف است. نقش حکومت، در اجرای این فریضه، غیر قابل انکار است. نهاد حکومتی حسبه در صدر

## منابع

- [۱] ولایتی علی‌اکبر. بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، چاپ سوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، جلد ۲، صفحات: ۱۶۱-۱۶۰.
- [۲] ابن منظور جمال‌الدین محمد بن مکرم. لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر بی تا، جلد ۶، صفحه ۲۳۹.
- [۳] قرآن کریم. سوره اعراف، آیه ۱۹۹.
- [۴] طبرسی ابوعلی فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ه ق، جلد ۴، صفحه: ۴۱۴.
- [۵] مکارم شیرازی ناصر. پیام قرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی هدف، ۱۳۷۰، جلد ۱۰، صفحه: ۲۵۴.
- [۶] قرآن کریم. سوره توبه، آیه ۷۱.
- [۷] قرآن کریم. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.
- [۸] قرآن کریم. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.
- [۹] ابن منظور جمال‌الدین محمد بن مکرم. لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر بی تا، جلد ۱، صفحه: ۲۱۴.
- [۱۰] فیض کاشانی محمد بن مرتضی. مفاتیح الشرایع، چاپ اول، قم: انتشارات خیام، ۱۴۰۱ ق، جلد ۲، صفحه ۴۷.
- [۱۱] ولایتی، پیشین، جلد ۲، صفحات: ۱۵۹-۱۵۸.
- [۱۲] منتظری حسینعلی. دراسات فی ولایت‌القیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۹ ه ق، الجزء الثانی، صفحه ۲۶۰.
- [۱۳] نک ماوردی. الاحکام السلطانیه فی الولایات الدینیّه، بیروت: چاپ خالد عبداللطیف السبع العلمی، ۱۹۹۰، صفحات: ۴۱۳-۳۹۴.
- [۱۴] ابن اخوه محمد بن احمد قریشی. معالم القریه فی احکام الحسبه، به نقل از لغت نامه دهخدا، چاپ اول از دوره جدید، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۲، صفحات: ۷۸۵۸-۹.
- [۱۵] ابن اخوه بن احمد. آیین شهرداری، ترجمه جعفر شعار، تهران: ۱۳۶۰، صفحات: ۴-۷.
- [۱۶] شیخ حراملی محمد بن حسن. وسائل الشیعه، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ه ق، جلد ۱۱، صفحه: ۳۹۹.

- [۱۷] نهج البلاغه. تدوین صبحی صالح، چاپ اول، قم: انتشارات هجرت، حکمت  
صفحه: ۳۷۴، ۵۴۲.
- [۱۸] کلینی محمد بن یعقوب. الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، جلد ۵،  
صفحه: ۵۶.
- [۱۹] حرعاملی محمدبن حسن. وسائل الشیعه، چاپ اول، بیروت: موسسه الاعلمی  
للمطبوعات، ۱۴۱۵ه ق، جلد ۶ صفحه: ۳۹۴.
- [۲۰] امام خمینی روح الله. تحریرالوسیله، چاپ چهارم، تهران: مکتبه اعتماد  
الکاظمی، ۱۳۶۶، جلد ۲، صفحات: ۴۰۴، ۴۰۶ و ۵۳۳.
- [۲۱] امام خمینی روح الله. تحریرالوسیله، چاپ چهارم، تهران: مکتبه اعتماد  
الکاظمی، ۱۳۶۶، جلد ۱، صفحه: ۷-۷۴۰.